



ابوالقاسم کلباف

## بودجه و پیکره نحیف پژوهش

آذر ماه امسال لایحه بودجه ۱۸۸۱۴۹/۹ میلیارد ریالی سال ۱۳۷۶ دولت به نمایندگان مجلس شورای اسلامی تقدیم شد.

در این بودجه نیز که چون بودجه‌های سالهای گذشته، طبق ضوابطی معین و سرگهجه آور، و البته همراه با جداولی فرموله شده تدوین گردیده، تنها با تفسیر و جابه‌جایی اعداد مواجهیم.

تعمق در اسناد چندین دهه تاریخ بودجه‌نویسی کشور مشخص می‌کند که سیستم بودجه‌نویسی در کشور ما به دلیل نبود سابقه و تجربه، با تقلید از غرب، و بدون رعایت فرهنگ آن، به مرور تکمیل شده و هر بخش آن، از کشوری و از یک سیستم بودجه‌نویسی اقتباس شده است و لذا متن ساده و واحد، تبصره‌ها و جداول این بودجه‌ها حتی برای کارشناسان و اکثریتی از مدیران سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان مجلس و مجریان کشور شفاف و قابل درک نیست و از آن به طور کامل سردر نمی‌آوردند تا بتوانند به نقد کامل بودجه و تشخیص سکت‌گیرهای آن در بخش‌های مختلف اقتصاد، و نهایتاً ارائه طریق بپردازند.

حتی فرهنگ بودجه‌نویسی بر مبنای نیاز و مقتضیات کشور وجود ندارد، و آنچه انجام می‌شود عملی است بر اساس تکلیف که قداماً آن را به صورت وظیفه‌ای در آورده‌اند. علاوه بر این، تقریباً تمامی بودجه‌های سالانه ما نه تنها تورم‌زاست، بلکه ارقام مذکور در آنها هم بر مبنای تعاریف و صراحت‌های تبصره‌ها هزینه نمی‌شود و در نتیجه آحاد ملت از آن بهره کامل نمی‌برند.

بعد از این مقدمه لازم است نگاهی بیندازیم به جایگاه یکی از ضروری‌ترین نیازهای کشور، یعنی پژوهش، در لایحه بودجه سال آینده... در هیچ یک از سرفصلهای بودجه به پژوهش که در حرف و شعار برای آن جایگاهی ویژه قائلند بهای کافی داده نشده است، لذا در عمل، و در ارقام بودجه، شاهد تخصیص مبالغی هستیم که به هیچ وجه با نیازهای کشور بزرگی چون ایران همخوانی ندارد، چرا که فقط نیم درصد از تولید ناخالص ملی - آنهم البته بر روی کاغذ - به اعتبارات پژوهشی اختصاص یافته است. البته این رقم نسبت به رقم متناظر سال گذشته ۳۲ درصد افزایش نشان می‌دهد؛ اما ۳۲ درصد از یک رقم نیم درصدی! ذر واقع رقم سرانه بودجه پژوهشی کشور در حال توسعه‌ای چون ایران ۱۵۳۵ تومان است که در مقایسه با هزینه خرید یک جلد کتاب علمی یا مثلاً یک لوله آزمایشگاهی اهمیت آن مشخص می‌شود!

عده پژوهشگر در کشور نیز بین ۲۵ الی ۳۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود؛ یعنی در مقابل هر ۲۳۵۰ نفر جمعیت یک نفر پژوهشگر، و تازه همین عده نیز با آموزش

حین خدمت نمی‌بینند، یا آفت کیفیت آموزشی در دوره تحصیل موجب پائین ماندن سطح دانسته‌های علمی ایشان شده و یا کمی حقوق و امکانات معیشتی بخشی از توان فکری و جسمی آنها را مصروف به کار دوم و سوم کرده، و می‌کند و همینها هم نهایتاً تسلیم، یا فدای سلیقه‌های مدیریتی متفاوت می‌شوند.

تعداد مؤسسه‌های پژوهشی که در کشور فعالند و دست در کار پژوهش هستند به تازگی به ۲۶۰ مؤسسه رسیده و اکثر آنها هم نوپا هستند و تعدادی نیز در اختیار گروهی از نور چشمی‌ها قرار دارند.

تحلیل صاحب‌نظران در مورد ارقام و توانایی‌های ذکر شده، و بررسی نیاز کشور به پژوهش و ضرورت پا گرفتن «پژوهشهای توسعه‌ای» و همچنین بهره‌گیری از نتایج پژوهش‌ها برای اجتناب از تکرار و گمانه‌زنی و آموزش و خطا و اتلاف نیروها و سرمایه‌های ملی چنین می‌نمایاند که کشور از بی‌سامانی در این امر خطیر رنج می‌برد، اولویت‌های پژوهشی هنوز هم مشخص نیست و کشور از داشتن یک استراتژی حساب شده و دراز مدت در بخش پژوهش محروم است.

بها دادن به پژوهش و ارزش قایل شدن - در عمل - برای رشد کشوری در حال توسعه، معمولاً به تحقق یافتن شرایطی بستگی دارد؛ از جمله:

- تخصیص بودجه مناسب و مضمون از آفات بوروکراسی برای امور پژوهشی.  
- تأمین نیروی انسانی تربیت شده و کارا برای هزینه کردن صحیح بودجه‌های پژوهشی، و البته تأمین هزینه‌های زندگی آنها به طور کامل.

- وادار نکردن مؤسسه‌های پژوهشی به خودکفا شدن، یا به صورت تعاونی‌های چند منظوره در آمدن و وارد مسایل انفعالی کسب درآمد - کوتاه مدت - در پژوهشی شدن.

نگاهی به آمارهای دولتی در زمینه مقوله پژوهش، و توجه به بها ندادن به امر پژوهش و آموزش که حاصلی جز آفت کیفیت آموزش و حتی غیرقابل استناد و اتکاء بودن نتایج بعضی از پژوهش‌ها ندارد، نشان می‌دهد که:

آمار دانشجویان از ۴۴۷ هزار نفر در سال ۱۳۶۸ به یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سال جاری رسیده است - حدود ۳۰۰ درصد افزایش دانشجوی - و احتمالاً در سال آینده به یک میلیون و ۴۵۰ هزار نفر می‌رسد - ۳۲۵ درصد افزایش دانشجوی - اما در همین مدت عده اعضای هیات‌های علمی دانشگاهها از ۱۴ هزار نفر در سال ۱۳۶۸ به حدود ۲۰ هزار نفر در سال جاری - فقط حدود ۴۰ درصد افزایش - رسیده که عده‌ای از این افراد هم فارغ التحصیلان دانشگاههای آزاد و غیردولتی هستند، و این رقم احتمالاً برای سال آینده به ۲۲۳۰۰ نفر (کمی بیش از ۶۰ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۶۸) خواهد رسید - مقایسه بین افزایش عده استادان و دانشجویان بیانگر این واقعیت ناخوشایند است که در سال ۶۸ برای هر ۳۲ دانشجو یک استاد وجود داشته و امروز برای هر ۶۵ نفر دانشجو یک استاد! در این میان لازم است که دعا کنیم اساتید جدید، خود در جریان تحصیل و هنگام فارغ‌التحصیل شدن گرفتار آفت کیفیت آموزش نشده باشند و یا هم اکنون در ۳ - ۴ دانشگاه و موسسه آموزشی آزاد و دولتی (به صورت استاد پروازی یا معمولی) درگیر تدریس نباشند!

وقتی خبر می‌رسد در کلاسهای پزشکی گل سرسید و مطلوبترین دانشگاه کشور - دانشگاه تهران - حدود ۲۰۰ دانشجو پای درس یک استاد و در یک کلاس یا آمفی تئاتر می‌نشینند، هر شنونده علاقمندی شروع می‌کند به ضرب و تقسیم ثابتهای ساعت کلاس برای تفهیم مطلب به ۲۰۰ دانشجو - اعم از ممتاز و سهمیه‌ای و نهادی و بنیادی - و سهمیه زمان برای پرسش و پاسخ برای ۲۰۰ دانشجو، و توان انتقال مطلب توسط یک استاد در یک جلسه به این ۲۰۰ دانشجو - نتیجه چنین ضرب و تقسیمی، حتی در خوش‌بینانه‌ترین فرضها، متخصص شدن یا محقق شدن پزشک یا هر تحصیل‌کرده دیگری را با تردید فراوان مواجه می‌کند.

برنامه‌ریزی، بودجه‌گذاری، تأمین نیروی کارآمد و مقررات فعالیتهای پژوهشی بدان گونه که شرح آن رفت مسلماً نمی‌تواند نیازهای یک جامعه بزرگ مرتبط با جهان بدون مرز کنونی در زمینه اطلاعات را برآورده سازد. کارشناسانی که معتقدند کشور فاقد استراتژی علم و تکنولوژی است نظر می‌دهند پژوهش اگر با درون‌نگری

و رعایت مشخصه‌های لازم همراه نباشد فرقی با تعطیلی مؤسسه‌های پژوهشی ندارد. مهمتر این که علم در کشور بدون پژوهش و به روز نکردن اطلاعات و نوآوری بودن در زمینه پژوهش همچون لکوموتیوی است که چرخهای آن می‌گردد، اما بر روی چک نه ریل! ساخت کالسکه در روزگار خودش یک علم و نوآوری صنعتی بود، چراکه به عنوان اولین وسیله حمل و نقل بسیار پیشرفته و مدرن عرضه شده بود، اما پژوهش و به روز کردن علم، در این عصر ساخت ماهواره و سفینه‌هایی را که برای مکاشفه زحل و نپتون کسب می‌شوند، ممکن ساخته است و شاید ده سال دیگر این تجهیزات هم قدیمی شود.

تورق اوراق لایحه بودجه امسال و قوانین بودجه سالهای قبل و دقت در تبصره‌های اجرا نشده، به ویژه در بخش پژوهش و سرمایه‌گذاری در آن نشان می‌دهد گذاشتن آمار و ارقام ریالی در فرمولهای جدولی بودجه بیشتر برای تکمیل فرمها و رفع مشکلات است تا مطالعه و مشخص کردن نیازها با پیش فرضهای منطقی. از جمله تبصره ۲۲ لایحه بودجه سال ۱۳۷۶ نشان می‌دهد دستگاههای اجرایی موظفند ۱۵ درصد از اعتبارات پژوهشی خود را از طریق عقد قراردادهای پژوهشی با دانشگاهها، هزینه کنند، زیرا علاوه بر مراکز پژوهشی دانشگاهی و پژوهشکده‌های آنها، در پایان آخرین ترم تحصیلی دهها هزار دانشجو که موظفند پایان‌نامه به دانشگاه ارائه کنند نمی‌توانند با استفاده از بورس‌ها، کمک‌ها و مساعدتهای وزارت علوم و دستگاههای اجرایی، اولین گامهای پژوهشی را با دقتی شدن در مسائلی که مورد نیاز جامعه است بردارند زیرا در ابتدای کار، یک ذهن جوان بهتر می‌تواند به شکافتن غوامض یک موضوع بپردازد و نتیجه اندیشه و پژوهش خود را به عنوان دفاعیه پایان‌نامه تحصیلی خویش ارائه دهد و دست کم پیش‌نیازهای کشور را در زمینه پژوهش برآورده کند، اما در این میان از ۲۶ وزارتخانه و دو-سه هزار شرکت، مؤسسه و سازمان دولتی یا وابسته به دولت، تعداد متعددی به تبصره ۲۲ و اجراکنندگان کامل آن به تعداد انگشتان دست هم نمی‌رسد.

امروزه در کشور سخنرانی، کنفرانس، هم‌نشانی و ملاقاتی است که بنا به مورد، سخن از لزوم نزدیکی صنعت و دانشگاه، مطالعه و پژوهش قبل از نهائی کردن یک پروژه یا شروع احداث یک طرح تولیدی، پژوهشهای کاربردی، و پژوهش برای رسیدن به نتایج مطلوب به میان نیاید، اما پس از هر جشن فارغ‌التحصیلی به جای آن که فارغ‌التحصیلان دانشگاهها بر اساس کیفیت آموزش خود و آن شعارهای پر طعناقی جذب مؤسسات پژوهشی، تولیدی و صنعتی شوند، اکثراً روانه خانه و بیادروهای خیابانها یا قهوه‌خانه‌ها می‌شوند، یا نهایتاً به مشاغلی بی‌ربط با تحصیل و تخصص خود رو می‌آورند.

به پیش‌بینی گروهی از کارشناسان و مسئولان: عده فارغ‌التحصیلان آموزش عالی بیکار در پایان برنامه دوم احتمالاً به ۶۰۰ هزار نفر بالغ می‌شود. ۲۰ برابر آمار پژوهشگران فعلی کشور. و این عده اکثراً به دلیل همان افت تحصیلی حتی عالم به علم و فن هم نشده‌اند تا خود منشاء اشتغال یا فردی مولد باشند.

آمار دیگری نیز در بوق و کرنا دمیده می‌شود مبنی بر این که تعداد دانشگاهها از ۱۵ دانشگاه در سال ۱۳۵۷ به ۵۰ دانشگاه دولتی و دهها دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی غیرانتفاعی، غیر دولتی و آزاد در حال حاضر رسیده است. این گسترش بی‌رویه و عجولانه دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی غیر انتفاعی که با هدفی مقدس شروع به کار کردند، اما حاصلی جز به تأخیر انداختن بیکاری- یا سند و توجیهی برای پست گرفتن یا بر سر کار ماندن مدیران رابطهای و کم سواد به استناد مدارک خلق‌الساعه- ندارند این معنی را می‌رساند که ما با واژگانی چون اهمیت آموزش، پژوهش و به ویژه پژوهشهای توسعه‌ای بیگانه هستیم.

\*\*\*

حال از نمایندگان مجلس که در خانه ملت، با فراغ بال و در کمیسیونهای مختلف مشغول بررسی لایحه بودجه هستند انتظار می‌رود اولویتها را بر اساس مصالح عالی کشور تعیین کرده، این لایحه را به نحوی شایسته مورد بررسی قرار دهند و براساس نیازهای واقعی کشور اصلاح کنند. به همین جهت، و برای کمک به بررسی لایحه

بودجه صفحات ۶۰ تا ۹۷ این شماره ماهنامه با بهره‌گیری از نظریات اعضای هیأت تحریریه، اساتید و کارشناسان بودجه، به بررسی ابعاد مختلف آن اختصاص یافته است.

با این همه، و با توجه به این که در هر وزارتخانه و سازمان و مؤسسه‌ای، تعدادی از طرحهای اجرا نشده یا نیمه تمام به دلیل سلاقی، علاقیت یا روابط خاص و عدم انجام پژوهشهای لازم، یا نقص پژوهش و اطلاعات، بی‌استفاده و ناتمام مانده است و متأسفانه تعداد این قبیل طرحهای ناقص و نیمه تمام در حال افزایش هم هست، ضرورت دارد به سرفصلهای پژوهش و اعتبارات پژوهشی توجه بیشتری مبذول شود، چراکه کوتاهی در این کار به فعالیت بیشتر کشورهای خارجی برای جذب مغزها و کار آفرینان ایرانی منجر می‌شود زیرا بالا بودن ضریب هوش ایرانیان و ضعف امکانات برای بهره‌برداری صحیح از آنان به دلیل جدی نگرفتن پژوهش و فراهم نکردن اسباب کار لازم، مشخص شده و معمولاً همان اندک بودجه اختصاص یافته هم اکثراً صرف کارهای تکراری یا پیگیری راههای طی شده توسط دیگر کشورها می‌شود، در حالی که در ایران پژوهش و تحقیقات می‌تواند و باید که در زمینه‌های زیر-یا موارد مشابه- فعال شود:

۱- تکنولوژی استفاده از آب شور.

- تلاش برای تهیه پلیمرهایی که قدرت جذب آب را داشته و بتوانند هنگام بی‌آبی آن را به زمین و ریشه گیاه پس بدهند.

۲- سامان دادن به تکنولوژی.

- خارج کردن چرخه صنعت از سرگردانی و کلکسیون‌سازی و زندان تکرار.

- تدوین یک استراتژی جامع برای توسعه صنعتی کشور و تعیین آن گروه از صنایعی که احداثشان در ایران می‌تواند برای اقتصاد کشور مزیت نسبی داشته باشد.

- افزایش میزان برداشت محصولات کشاورزی به ویژه گندم به مقدار ۱۰ تن در هکتار.

- تولید بذور مقام به کم‌آبی و آفات و امراض داخلی و نتیجه دادن آنها پس از کاشت و آزمایش در سطح وسیع.

و نهایتاً اینکه پژوهش و هزینه‌ها و امکانات تخصیص داده شده به آن باید که:

۱- از هدر رفتن سرمایه‌های ملی جلوگیری کند. مثلاً ابتدا جاده‌ای احداث نشود که حتی سازنده آن نشان بگیرد و کیلومترها خطوط لوله نفت زیر آن کشیده شده باشند، اما ماهی و سالی بعد اعلام شود با احداث یک سد همه آنچه انجام شده به زیر آب خواهد رفت.

۲- با رسیدن به رویه‌های بهداشتی بهینه و منطبق با نیازهای واقعی، از مراجعات مکرر مردم به مؤسسات درمانی و تشخیص‌های غیرمفید و تجویز داروهای کم اثر و در نتیجه افزایش سرانه هزینه درمان، جلوگیری شود.

۳- با انجام پژوهش‌های بنیادی کاری کنیم که اطلاعات و واقعیت‌های حقیقی و شدنی در زمینه فعالیت‌های تولیدی، عمرانی، اقتصادی و اجتماعی برای مجریان مشخص شود و آنها شعارها و وعده‌های ناممکن، و برای فعالیت‌های خاص ندهند.

۴- از اتلاف نیروهای مردم و ساخت و سازهای بی‌مورد از بودجه بیت‌المال به دلیل مناسبات و بده‌بستانهای دوستانه، حزبی، گروهی، خطی و... که بعضاً در مواردی سالها بعد عدم نیاز به آنها یا مفید نبود نشان مشخص می‌شود ممانعت شود. این امر با بها دادن به نتیجه پژوهش‌های پژوهشگران صاحب صلاحیت و بی‌طرف که جز به کار علمی به امر دیگری نمی‌اندیشند، امکان‌پذیر است.

۵- با پژوهش و صرف کردن بودجه‌های پژوهشی، شرایطی فراهم شود که آلودگی صدها هزار هکتار از مزارع گندم و پنبه و باغات مرکبات و ناپودی سرمایه‌های کشاورزان را شاهد نباشیم.

و نهایتاً حقوق حقه و پول این مردم به پژوهشگران و کارشناسان و پیمانکاران خارجی پرداخت نشود، یا به مصرف خرید مواد و تجهیزات از آنها برای جبران ندانم‌کاری بعضی از مجریان و جبران اشتباهات مدیریتی آنها، نرسد.

والسلام